

یادی و درسی از شهید نهضت ملی دکتر سید حسین فاطمی

هم میهنان؛

از دیدگاه تاریخ ملتی صاحب ارزش است که هویت و اعتبار خود را با تلاش و مبارزه ی فرزنداناش از گزند حوادث مصون بدارد . میهن ما در ازای تاریخ بویژه در سده ی معاصر شخصیت های بزرگی را در دامان خود پروراند که توانستند در پیشاپیش ملت در نبرد با دشمنان درونی و بیرونی آثار پایدار و فناپذیر از خود بجای بگذارند تا استقلال و تمامیت میهن مان برجای بماند . همت والای این راد مردان سبب شد که پس از سالهای پرتلاطم دهه سی و بعد از کودتای انگلیسی ، آمریکایی و روسی ۲۸ مرداد ، غارتگران نتوانند به نابودی نهضت مقدس ملی که امید و آرزوی نهایی آنان بود جامه عمل ببوشانند .

۱۹ آبان پنجاه و سومین سالگرد شهادت دکتر سید حسین فاطمی ، سردبیر شجاع و آگاه روزنامه باختر امروز و وزیر خارجه مصدق که بحق می توان او را از نوادر و شخصیت های سیاسی قرن اخیر ایران دانست که به گواه تاریخ و شرح اسناد و آگاهی بر ماهیت نظام سلطه حاکم بر کشور از همان آغاز انگشت بر نقطه اصلی درد (استعمار و استبداد) نهاد و ملت نیز از هر کوششی در حد توان فرو نگذاشت و بهای سنگین آن را نیز با جانباختن فرزنداناش پرداخت چنانکه در سرمقاله ۹ فروردین ۱۳۳۱ روزنامه باختر امروز فاطمی نوشت ؛ « کشته شدن در راه نجات یک ملت بزرگترین افتخار است »

شهید نهضت ملی فاطمی در سال ۱۲۹۶ خورشیدی در شهر نایین چشم به جهان گشود . سیزده ساله بود به همراه برادر برای رفتن به دبیرستان به اصفهان رفت و در ۱۳۱۶ به منظور تحصیل در دانشگاه راهی تهران شد تا در کنار دانش اندوزی مبارزه و پیکار را در دامنه وسیع تری شروع کند ، با استعداد سرشاری که در روزنامه نگاری از خود نشان داد مدارج ترقی را خیلی زود پیمود ، در سرمقاله شماره ۲۰۰ باختر امروز تحت عنوان « یا مرگ یا زندگی » نوشت ؛ « ... حیف است این ملت منقرض شود . نه ! ما هرگز نمی میریم ، زیرا ما زنده ی عشقیم ما با دنیا و با تاریخ یک روز بوجود آمدیم . این خفقان ما را بیشتر بیدار می کند ، ما به پیمودن یکی از دو راه ناچاریم یا مرگ یا زندگی ولی با شرافت و افتخار ... » . فاطمی یکی از شجاع ترین روزنامه نگاران است که تا واپسین لحظه زندگی ، استوار و پا برجا علیه استبداد و ظلم برای مردم قلم زد . زنده یاد در نخستین سرمقاله اش در باره مصدق نوشت : دکتر مصدق پیشوای بزرگ ملی ایران ، کسی است که نیم قرن تمام در راه منافع مردم محروم این مملکت مبارزه کرده است . امروز در ایران کسی را سراغ ندارید که تقوای سیاسی دکتر مصدق را انکار کند . در مجلس شانزدهم دکتر مصدق نماینده اول تهران شد و پس از او دکتر فاطمی و ۵ تن دیگر از یارانش در مجلس در کنار هم به پیکار ضد استبدادی ، ضد استعماری خود ادامه دادند .

دکتر فاطمی در پیشنهادی برای ملی کردن نفت به دکتر مصدق گفت ؛ « استیفای حق ملت کاری است بسیار دشوار خصوصا که دولت انگلیس مالک اکثریت سهام شرکت است و به عنوان مالیات بر درآمد هر سال مبلغ هنگفتی از شرکت استفاده می بردند که این پیشنهاد مورد موافقت قرار گرفت . در وزارت خارجه نیز پیکاری را که علیه انگلستان آغاز کرده بود تا قطع منافع و خلع ید به پیش برد و روز بستن سفارت انگلیس را که اول بهمن ماه بود روز استقلال ایران شناخت .

سرانجام دکتر حسین فاطمی هفت ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۲ در مخفیگاهش بازداشت می شود . خبر دستگیری دکتر فاطمی به رییس شهربانی سپهبد علی مقدم و فرماندار نظامی تیمور بختیار رسید با یک توافق ، نقشه از بین بردن او را بدست اوباشان کشیدند . شعبان جعفری و عده دیگری از اوباشان حرفه ای به جلوی شهربانی فراخوانده می شوند . خانم سلطنت فاطمی مادر گرامی دکتر سعید فاطمی و خواهر شجاع و فداکار دکتر حسین فاطمی خود را به جلوی شهربانی می رساند ، برادرش را دست بند زده جلوی پلکان شهربانی ایستاده می بیند که شعبان جعفری به نوچه هایش می گوید بکشیدش بکشیدش ، به ضرب چاقو و چماق او را مضروب می کنند که جان سالم بدر نبرد . خواهر شجاع و از جان گذشته فاطمی خود را بر روی برادرش می اندازد و از مراحم استبداد حاکم ۱۰ ضربه چاقو به خواهر و ۶ ضربه به دکتر فاطمی وارد می شود . فریادهای این بانوی شجاع که « مردم برادرم را کشتند ، مردم فاطمی را کشتند » ، عابرین را متوجه می کند که در کنار برادر سخت زخمی شده است و بر روی زمین می غلتد . دکتر فاطمی تا دو ماه در وضع بسیار ناراحت کننده ای بسر برد که بارها تا دم مرگ پیش رفت ولی او باید زنده می ماند تا با دفاعیات خود برای نسل های آینده آنچه را که اندوخته بود به یادگار برجای گذارد .

سرانجام در حالیکه حرارت بدنش ۳۸-۳۹ درجه و فشار خونش ۷/۵ بود تحت بازجویی های پی در پی قرار گرفت بطوریکه او را برای دادگاه هم با برانکار داخل سالن می آوردند . در آخرین نامه اش به آیت اله سید رضا زنجانی می نویسد ؛ « آرزو دارم که نفس های آخر زندگی ام نیز در راه نهضت و سعادت هموطنانم صرف شود ، به هر حال در دادگاه می توانیم بسیاری از حقایق را فاش کنیم و داغ باطله بر کنسرسیوم و حامیان او بزنیم . بر فرض

که نگذارند به اطلاع هم میهنان برسد و صدای ما را خفه کنند ، در تاریخ و در پرونده ها باقی خواهد ماند و فردای روشن ممکن است مورد استفاده نسل های آینده قرار بگیرد . ۱۳۳۳ بالاخره ساعت چهار و هفت دقیقه بامداد چهارشنبه نوزدهم آبان ۱۳۳۳ تیمور بختیار و سرهنگ آزموده دادستان ارتش به زندان رفتند و حکم اعدام دکتر سید حسین فاطمی را به وی ابلاغ کردند . آزموده گفت ؛ اگر وصیتی دارید بفرمایید . دکتر فاطمی سخنان او را قطع کرد و گفت ؛ " آری آقای آزموده ، مرگ حق است و من از مرگ ابایی ندارم آن هم چنین مرگ پر افتخاری . من می میرم که نسل جوان ایران از مرگ من عبرتی گرفته و با خون از وطنش دفاع کرده و نگذارند جاسوسان بیگانه بر این کشور حکومت نمایند . " من درهای سفارت انگلیس را بستم غافل از اینکه تا دربار هست ، انگلستان سفارت لازم ندارد . آزموده از او می خواهد اگر خواسته ای دارد بگوید . فاطمی گفت ، خواسته های من دیدن خانواده ، ملاقات با دکتر مصدق و صحبتی با افسران است . آزموده می گوید ؛ هنوز هم دست از این مرد برنمیداری :

و شهید فاطمی در برابر جوخه اعدام گفت ؛ " آقای آزموده مرگ بر دو قسم است مرگی در رختخواب ناز و مرگی در راه شرف و افتخار و خدای را شکر می کنم که در راه مبارزه با فساد شهید می شوم ، خدای را شکر می کنم که با شهادتم در این راه ، دین خود را به ملت ستمدیده و استعمارزده ایران ادا کرده ام و امیدوارم سربازان نهضت همچنان مبارزه را ادامه دهند . "

هشت گلوله از دهانه لوله تفنگهای چهار مامور ایرانی که اسلحه را بیگانگان بدستشان داده بودند ، دو نفر ایستاده دو نفر نشسته شلیک شد . دو تیر به قلب پرشوری که سرشار از عشق به ایران بود نشست و شش تیر دیگر به سینه اش و زنده باد مصدق آخرین کلامش و فاطمی جان باخت . هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق .

هم میهن؛

دکتر سید حسین فاطمی ، داریوش و پروانه فروهر با ریختن خونشان پیامی به ملت ایران دادند تا در راه مبارزه برای آزادی و پاسداری از یکپارچگی ایران و استقرار حکومتی مردم سالار در برابر استبداد و هر سلطه گر و متجاوز تسلیم نشوند . نامشان گرامی و راهشان پررهرو باد .

درد بر شهیدان راه استقلال و آزادی ایران

آزادی زندانیان سیاسی دانشجویان ، فرهنگیان و کارگران خواست ملت ایران است

درد بر دکتر سید حسین فاطمی ، داریوش و پروانه فروهر شهیدان راه استقلال و آزادی

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران- ۱۹ آبان ۱۳۸۶